

قانون مجازات عمومی

پس بموجب ماده نامبرده و از مواد دیگر قانون استنباط میشود که جز در مواردی که قانون اجازه تخفیف داده نمیتوان مجازات مجرم را پائین آورد

در اقسام تخفیف

در همان موارد هم که قانون اجازه تخفیف داده یا خود صریحاً آنها را معین و محدود کرده و فقط قضای و سببه تطبیق و اعمال است و با آنکه بطور کلی تشخیص در اعطاء آنرا بعهده وی گذارده است در صورت اول تخفیف قانونی و در حالت دوم قضائی نامیده میشود

تخفیف رقمی قانونی است که وضعیت افراد معضرس و معینی از نظر شخصیت یا موقعیت یا حمایت دیگر در قانون صریحاً مورد توجه بوده و مجازات آنها پائین تر از میزان مقرر برای دیگران تعیین شده مثل آنکه در باره زنان (۱) و مردان بالاتر زشتی - دل مجازات اعدام و حبس با اعمال شاقه تخفیف داده شده است و با آنکه در مورد دفاع از نوس دختر یا خواهر بموجب قانون ایران نیز آن مجازات است چهار درجه نازل یافته است (۲)

(۱) ماده ۴۶ - در حق مردانیکه عمر آنها متجاوز از شصت سال است و همچنین کلیه زنها حبس با اعمال شاقه و حکم اعدام جاری نمیشود

(۲) ماده ۱۷۹ (شق ۲) - هرگاه کسی بطرق مزبور (مقصود فرارش یا در حکم آنست) دختر یا خواهر خود را یا مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم علاقه زوجهیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود از یکماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر مرتکب ضرب یا جرح شود حبس تأدیبی از ۸ روز تا دو ماه محکوم می شود.

بعضی از دانشمندان حقوق جزائی عقیده دارند که مجازات اطفال کمتر از ۱۸ سال که در قانون بطور خاص (*)

و آن جلوگیری از سوء استفاده بعضی مجرمین است که بدون شایستگی در تخفیف مجازات ممکن است از آن بهره مند شوند.

مثلاً کسانیکه مرتکب تکرار جرم شده و از اینراه قابل اصلاح نبودن و بلکه اصرار بر بقاء مجرمیت خود را ثابت میکنند و یا آنها که برای فرار از مجرمیت یا استفاده از مجازاتهای کمتری (در جرائم مهم) به معاونت اطفال متوسل شده و چون دسته اخیر یعنی اطفال بین ۱۳ و ۱۶ مجازات محدود و تغییر ناپذیر و بین ۱۶ و ۱۸ مجازاتی کمتر و خفیفتر از مجرمین عادی داشته و علاوه تکرار جرم در باره آنها حساب نمیشود در بیشتر جرائم عادی (۱) شرکت اطفال را برای خود تحصیل و از اینراه در عین اینکه مسبب و عامل اصلی جرم انداز تعقیب مجازات مصون و به بر فرض که مجبور شوند در ارتکاب جرم بعهده دار عالی شوند کاری میکنند که فقط صدق معاونت داشته و مجازات خفیف داشته باشند و قسمت عمده مسؤلیت و مجازات را بدوش اطفال نهند - عیب دیگر این توسل اینستکه چون مجازات اطفال محدود و معین است دارای تأثیر زیاد نبوده برخلاف موجب تشویق آنها بارتکاب جرائم و مخصوصاً خودکراستی آنها باینکار و ایجاد خطرات زرگی برای آینده جامعه خواهد بود - بدیهی است اینگونه مجرمین باید بمجازات کامل و بدون هیچ تخفیف برسند قانون مجازات عمومی ایران و طرز اعمال کیفیات مخففه اندیشه های فوق را زجهاتی رعایت کرده و گرچه برطبق ماده ۴۳ گوید: «هیچ جنایت یا جنحه را نمیتوان عفو نمود یا مجازات آنرا تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آنرا قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی داده»

(۱) انواع سرقت :

جیب بری - بالا رفتن از دیوار ورودی خانه از راه درخت و راه آب و امثال

پس هر کجا که قانون مجازات خاصی برای جرم عادی معین کرده باشد رعایت همان مجازات درباره مجرم الزامی خواهد بود

تخفیف قضائی

و آن عبارت از اختیاری است که قانون بشخص قاضی (*) معین شده در حکم تخفیف قانون است چه اصل بعاست عدم رشد و تمیز کافی مورد نظر مخصوص قرار گرفته اند و بهمین جهت مجازاتشان از نظر کمیت و کیفیت خفیف تر از مجازات مردم عادی و بنا بر این قانون گذار خواسته است در باره آنها تخفیف قائل شود.

برخی دیگر معتقدند که اضافه بین ۱۳ و ۱۸ در حقیقت در بزرگ مرحله برزخی از مردم عادی و افراد غیر ممیز زندگی میکنند و نقصان رشد و تمیز موجب نقص مسئولیت آنها و بد نتیجه در نظر گرفتن مجازات مخصوصی است لذا و بدلائیل نمیتوان آنها بمنزله مجازات تخفیف داده شده تلقی کرد:

۱ - تصمیمات متخذه بر علیه اطفال از هر جهت با مجازات مردم عادی فرق دارد علاوه مجازات اطفال در عداد هیچیک از مجازاتهای سه گانه (خلاف و جنبه و جنایت) قرار نگرفته با هیچکدام قابل تطبیق نیست تا بتوانیم فرض کنیم قانونگذار آنها را تخفیف داده

۲ - در وضع مجازات اطفال بهیچ وجه فلسفه وضع مجازات عادی که از جمله تمیبه و تنبیه مجرم است مورد نظر نبوده و بلکه از نوع آن کاملاً جنبه انحصاری تعلیم و تربیت مشهود است

۳ - از جهت آثار مجرمیت هم با مجازاتهای عادی بکلی مابین است: (در سجل جزائی و سابقه طفل حساب نمیشود - مؤثر در تکرار جرم نیست - موجب محرومیت از حقوق نمی گردد - آثار خارجی بر ضرر طفل ندارد)

۴ - از حیث اصول محاکمه نیز با مجرمین عادی فرق دارند: جرم جنائی اطفال در دادگاه جنبه رسیدگی و

داده که در هر مورد و هر جا که رعایت حال مجرم و ترحم بر او یا کناس شایستگی داشت می تواند بدون هیچ الزام با رعایت کیفیت خاصی مجازات مجرم را تعیین آورد بنا بر این تخفیف مزبور مطلقاً بنظر قضاة ماهوی بوده و مثلاً میتوانند در مورد دو مجرم و فرضاً در شریک در جرم که هر دو در موقعیت مشابه هم و دارای مسئولیت مساوی هستند در باره یکی رعایت تخفیف قضائی بنمایند و در مورد دیگری از اختیار خود استفاده نکند

از سنجش دو تعریف فوق تخفیف قانونی و قضائی بجهت ذیل از هم متمایز میشوند:

۱ - در مورد اولی و بعضی آنکه مجرمی منتهی مواد مربوطه گردید رعایت تخفیف اجباری است و هرگونه اشتباه قاضی در تطبیق یا انحراف از قانون موجب قضا آن و اعمال نظر تمیزی خواهد بود بر خلاف تخفیف قضائی مطلقاً با اختیار قضاة ماهوی است

۲ - تخفیف قانونی باید از نظر اصول محاکمه در خود حکم ذکر شده جهات قانونی و کیفیات موجب آن ذکر و قاضی در اعمال آن فقط باید حدود و مقررات قانون در نظر گیرد - بر عکس ذکر علل مخففه در تخفیف قضائی لازم نبوده کافی است قاضی شایستگی و یا همینقدر ساده مربوطه به آنرا اشاره کند.

۳ - بعضی از دانشمندان معتقدند تخفیف قانونی در جهت تغییر درجه و ماهیت جرم است بطریقی که نوع جرم را تغییر داده و مثلاً بوجود موجب آن جنایت تبدیل بجنبه میشود

حتی در بعضی کشورها مستنطق مخصوص دادگاه مخصوص و علیحده برای اطفال هست که شباهتی با مراجع جزائی عادی ندارد

۵ - در بعضی کشورها دسته مخصوص از اطفال اگر مرتکب جرمی شوند قانوناً مجازاتشان از مجازات عادی بزرگ طفل معدوم خود کمتر است (مثل جرائم طفل بر علیه اقربای نزدیک او) و از این جا بخوبی معلوم میشود که مجازات اطفال جنبه خاصی داشته و خود آنها را قابل تخفیف قانونی هستند نه آنکه نتیجه تخفیف باشند